

Two Sides of Asia: An Analysis of the Relations Between Iran and the Korean Peninsula in Antiquity

*Najm al-Din Gilani*¹
*Akram Nakhaei*²

Previous understanding, based on older research, suggested that relations between Iran and the Korean Peninsula were limited to recent centuries, not extending beyond a hundred years. However, recent studies indicate that the history of interactions between these two ancient lands dates back approximately 1500 years. The earliest signs of connection between Iran and the Korean Peninsula are observed during the Korean Three Kingdoms period (especially Silla) and the Sasanian Empire in Iran. Although direct evidence in this regard is scarce and scattered, numerous indirect documents exist that help us in proving this claim. Therefore, answering the following questions becomes important: What kind of relations existed between Iran and the Korean Peninsula in antiquity? And what archaeological, historical, and cultural evidence and documentation confirm these long-standing relations? This research, utilizing evidence and documents available in historical sources and archaeological findings, as well as employing a descriptive-analytical method, delves into the analysis and examination of the relations between Iran and the Korean Peninsula in antiquity. The most significant of this evidence includes findings from ancient sites, excavated artifacts, and artistic patterns. The results of this study clearly demonstrate that Iran, during the Sasanian period, had extensive interactions, particularly in the cultural and artistic fields, with the Korean Peninsula. The overall outcome of this research is derived through the examination of glass vessels and their manufacturing techniques, animal patterns, and the mutual influence of various artistic styles.

- **Keywords:**

Iran, Korean Peninsula, Antiquity, Sasanian Dynasty, Relations, Analysis, Two Sides of Asia.

¹. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad-Iran1 (Corresponding Author), gilani@um.ac.ir

². Master of Arts in Islamic Iranian History, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad-Iran, nakhaei78@gmail.com



دو سوی آسیا: واکاوی مناسبات ایران و شبه‌جزیره کره در دوره باستان

نجم‌الدین گیلانی^۱
اکرم نخعی^۲

چکیده

تا پیش از پژوهش‌های اخیر تصور بر این بود که روابط بین ایران و شبه‌جزیره کره به قرن اخیر محدود شده و پیشینه آن نیز به بیشتر از ۱۰۰ سال نمی‌رسد. با این حال، تحقیقات جدید نشان از قدمتی ۱۵۰۰ ساله در تاریخ تعاملات این دو سرزمین کهن دارند. نخستین پیوندها میان ایران و شبه‌جزیره کره مربوط به دوره سه پادشاهی در کره (اتحادیه شیلا) و شاهنشاهی ساسانی در ایران بوده است. اگر چه شواهد مستقیم بسیار محدود و پراکنده است، اما مدارک غیرمستقیم متعددی وجود دارند که ما را در اثبات این مدعا یاری می‌رسانند. بنابراین، پاسخ به این سؤال‌ها ضروری است؛ چه مناسباتی بین ایران و شبه‌جزیره کره در دوره باستان وجود داشته است؟ و چه شواهد و مستندات باستان‌شناسی، تاریخی و فرهنگی در تأیید این روابط دیرین وجود دارد؟ در این پژوهش بر اساس شواهد و مدارک موجود در منابع تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی و همچنین با روش توصیفی-تحلیلی، روابط ایران و شبه‌جزیره کره در دوره باستان واکاوی و بررسی خواهد شد. از جمله مهم‌ترین این شواهد به یافته‌های موجود در سایت‌های باستان‌شناسی، اشیاء کاوش شده و الگوهای هنری می‌توان اشاره کرد. نتایج به روشنی نشان می‌دهند که ایران دوره ساسانی با سرزمین کره، هم‌کنش‌های گسترده‌ای به‌ویژه در زمینه فرهنگی و هنری داشته است. برآیند کلی پژوهش از بررسی ظروف شیشه‌ای و تکنیک‌های ساخت آنها، الگوهای حیوانی و تأثیر متقابل سبک‌های مختلف هنری حاصل شده است.

واژگان کلیدی:

ایران، شبه‌جزیره کره، دوره باستان، ساسانیان، مناسبات، واکاوی، دو سوی آسیا.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۲۶

^۱ استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد- ایران (نویسنده مسئول) gilani@um.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد- ایران nakhaei78@gmail.com



مقدمه

مطالعات تاریخی در حوزه روابط بین‌الملل همواره یکی از موضوعات جذاب و خواندنی در تاریخ محسوب می‌شوند؛ چرا که به‌عنوان پلی بین تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف عمل می‌کند. در واقع این مطالعات به واکاوی در باره پیچیدگی‌های روابط بین‌سرزمین‌ها و تمدن‌های مختلف با تکیه بر ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و هنری می‌پردازند. پژوهش حاضر با تمرکز بر مناسبات تاریخی دو تمدن کهن در آسیا، ایران و شبه‌جزیره کره در پی بررسی جنبه‌های گوناگون این ارتباطات در دوره باستان و به‌ویژه از منظر فرهنگی است. فاصله جغرافیایی قابل توجه بین این دو سرزمین، مانع ارتباط نبوده و ایران و شبه‌جزیره کره از دیرباز تحت تأثیر عوامل مختلفی و از جمله مهم‌ترین آنها راه شاهی که بعدها به جاده ابریشم مشهور گردید، وارد تعاملات فرهنگی گسترده‌ای شدند. این پژوهش با هدف روشن‌سازی این تعاملات، به بررسی موارد زیر می‌پردازد:

۱. شرح کلی تاریخ سلسله‌های حکومتگر در شبه‌جزیره کره
۲. نگاهی به موقعیت جغرافیایی و سرزمینی آسیای مرکزی و ایران
۳. بررسی و شرح ارتباط گروه‌های جمعیتی مهم در آسیای مرکزی (به‌ویژه سکاها)
۴. نقش سایت‌های باستان‌شناسی در تأیید روابط ایران و خاور دور

موارد مذکور نقشی مهم در شناخت ما از مناسبات فرهنگی و تمدنی بین ایران و شبه‌جزیره کره ایفاء می‌کنند. در همین راستا، بررسی تاریخ دودمان‌های حاکم بر شبه‌جزیره کره سبب می‌شود تا درک عمیق‌تری از تحولات تاریخی این منطقه و چگونگی شکل‌گیری زمینه‌های ارتباطات خارجی فراهم شود. به‌ویژه موقعیت جغرافیایی خاص ایران و ارتباط نزدیک آن با آسیای مرکزی به‌عنوان بستر اصلی انتقال فرهنگی مورد توجه و حائز اهمیت است. از طرفی نقش اقوام کوچ‌نشین و گروه‌های جمعیتی فعال در آسیای مرکزی (به‌ویژه سکاها) به‌عنوان واسطه‌های فرهنگی و منتقل‌کنندگان آداب و رسوم مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سرانجام سایت‌ها و محوطه‌های باستانی موجود در مسیر جاده ابریشم، مهم‌ترین شواهد را در تأیید روابط ایران و خاور دور در دل خود جای داده‌اند. از مهم‌ترین این سایت‌ها می‌توان به سایت گیونگجو در کره و سایت دون‌هوانگ در چین اشاره کرد که اشیاء کاوش شده در آنها، نشان‌دهنده یک ارتباط دیرینه است. نتیجه حاصله با واکاوی هر یک از عناصر و مدارک موجود نشان می‌دهد که ایران و شبه‌جزیره کره از دوره باستان و با واسطه راه زمینی و دریایی ابریشم، ارتباطات و تعاملات فرهنگی و تمدنی خود را آغاز کردند. این

تعاملات بر هنر، مذهب و حتی مسیرهای بازرگانی و تجاری تأثیر گذاشته و مؤلفه‌های فرهنگی از این طریق قابلیت جابه‌جایی و تکامل یافتند.

پیشینه تحقیق

از جمله پژوهش‌هایی که در باره روابط تاریخی ایران و کره صورت گرفته؛ می‌توان مقاله‌ای از محمدباقر وثوقی (۱۳۹۳) با عنوان «نام قدیم کره در متون جغرافیایی و تاریخی» را نام برد که بر اساس نسخ خطی جغرافیایی و تاریخی به بررسی نام کره در ادوار پیشین پرداخته است. این مقاله منابع جغرافیایی و تاریخی که نام کره (شیلا و بسیلا) در آن آمده را شرح داده و اما به فرهنگ و روابط تاریخی آنها چندان اشاره‌ای نکرده است. رساله‌ای از In-Sung Kim Han (2016) نیز تحت عنوان «Islamic Material Culture in Medieval Korea and its Legacy» که ضمن ارائه پیشینه‌ای از چگونگی رویارویی بین فرهنگ کره و جهان اسلام به بررسی شواهد مادی می‌پردازد. در این رساله بیشتر بحث شناسایی و بررسی ظروف، نقش و نگارها و درصد آلیاژهای به کار رفته در آن را مطرح کرده است؛ اینگونه که بعد از ارائه پیشینه‌ای از روابط ایران و شبه‌جزیره کره به مبحث اصلی می‌پردازد. در واقع این اثر یک پژوهش میان‌رشته‌ای بین تاریخ و هنر است و از آنجا که به ذکر کلیات در مورد روابط تاریخ ایران و کره به عنوان پیشینه پژوهش و تکمیل کننده اثر خود می‌پردازد؛ جای کار باقی می‌گذارد. از محققان دیگری که در این حوزه بسیار کار کرده‌اند، باید به لی هی سو^۱ اشاره کرد و از پژوهش‌های وی می‌توان موارد زیر را معرفی نمود: "تبادل فرهنگی در جاده ابریشم باستانی" (۲۰۰۲)، "گسترش فرهنگ اسلامی در شرق آسیا قبل از دوران هژمونی مدرن اروپا" (۲۰۰۲)، "جاده ابریشم و ارتباطات فرهنگی کره و آسیای غربی" (۲۰۱۸). در این مقالات به‌طور کلی به ذکر اهمیت جاده ابریشم و بررسی شواهد باستان‌شناسی پرداخته شده است. نویسنده فرهنگ شبه‌جزیره کره در انتهای شرقی قاره اوراسیا را بسیار تحت‌تأثیر تعاملات فرهنگی فعالی می‌داند که از طریق جاده ابریشم رخ داده است، در این راستا بیان می‌کند که فرهنگ ایرانی پیش از این و در عصر برنز بر تاریخ هنر شبه‌جزیره کره نفوذ کرده بود. پژوهش‌های فراوانی در این مورد صورت گرفته که تنها به بخش کوچکی از آن اشاره شد. موارد فوق از مهم‌ترین تحقیقاتی بودند که حول محور موضوع مورد نظر انجام شده و دیگر تحقیقات جنبه تکمیلی داشته‌اند. اما به سبب اینکه هر کدام از این آثار تنها به یک یا

^۱. Lee.Hee.Soo

چند جنبه از موارد ارتباط بین ایران و شبه‌جزیره کره پرداخته‌اند؛ لازم است تا در پژوهشی مستقل، همه این موارد و یکپارچه‌سازی آنها ارائه شود.

مختصری از تاریخ شبه‌جزیره کره

شبه‌جزیره کره^۱، سرزمینی واقع در قسمت شمال شرقی آسیا که بعد از جنگ جهانی دوم به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شده است (نامی، ۱۳۸۶: ۱). صرف‌نظر از دوره معاصر، شبه‌جزیره کره سرزمینی با تاریخ و پیشینه کهن است که مردم آن پیش از این تقسیم‌بندی برای قرن‌ها تاریخ و فرهنگ مشترک داشتند. تاریخ کره بر اساس شواهد باستانشناسی به دوره پارینه‌سنگی^۲ برمی‌گردد و شبه‌جزیره کره و منچوری از دوره نو‌سنگی به‌عنوان سکونتگاه اجداد و پیشینیان آنها در نظر گرفته می‌شود.^۳ اولین دولت-ملت آنها به نام دودمان کوجوسون^۴ به‌عنوان یک نیروی مرکزی در شرق به‌وجود آمد. این پادشاهی بر اساس فرهنگ برنز بود که در امتداد لیائونینگ منچوری^۵ و مناطق شمال غربی شبه‌جزیره شروع به توسعه کرد و در ۲۳۳۳ ق.م. توسط تانگون وانگوم^۶ تأسیس شد (RKI, 1995: 14-18) و سرانجام توسط سلسله چینی هان^۷ در ۱۰۸ ق.م. سقوط کرد و جای خود را به سه امپراتوری دیگر یعنی پویو^۸، پکچه^۹ و دونگایی^{۱۰} (دولت‌های شمالی) می‌دهد و مدتی بعد نیز به دلیل ضعف و سستی به تدریج ضمیمه امپراتوری کوجوریو^{۱۱} شدند که از سال ۳۷ قبل از میلاد تا سال ۶۶۸ میلادی بر قسمت‌هایی از شبه‌جزیره حکمفرمایی می‌کرد. بنابراین، از قرن اول میلادی

^۱ سرزمینی در منتهی‌البه شرق قاره آسیا که به دلیل همجواری با ژاپن، چین و روسیه از اهمیت ژئوپلیتیک خاصی برخوردار است. لازم به توضیح است که به منظور ایجاد تمایز بین موجودیت تاریخی و وضعیت سیاسی فعلی و برای اشاره به واحد جغرافیایی که امروزه شامل کره جنوبی (به‌طور رسمی جمهوری کره) و کره شمالی (به‌طور رسمی جمهوری خلق دموکراتیک کره) می‌شود؛ از لفظ شبه‌جزیره کره در متن استفاده شده است.

^۲ دوره پارینه‌سنگی در شبه‌جزیره کره و منچوری به حدود یک میلیون سال پیش برمی‌گردد.

^۳ مردم ازدوران پارینه‌سنگی در این مناطق زندگی می‌کردند، اما آنها ارتباط کمی با شکل‌گیری ملت کره داشتند. اعتقاد بر این است که اساس ملت کره از دوران نوسنگی تا عصر برنز شکل گرفته است. برای اطلاعات بیشتر به کتاب The History Of Korea, Created By Radio Korea International (RKI) صفحه ۱۹ مراجعه شود.

^۴ Kojoson

^۵ Liaoning Of Manchuria

^۶ Tan'gun Wanggom

^۷ Han dynasty

^۸ Puyo

^۹ Paekche

^{۱۰} Tong'ye

^{۱۱} Koguryo

دو سوی آسیا: واکاوی مناسبات ایران و شبه‌جزیره کره در دوره باستان □ ۷

سه پادشاهی باستانی در شبه‌جزیره پدید آمدند که در رأس آنها کوگوریو قرار داشت و پکچه و شیلا^۱ پس از آن قرار داشتند. کوگوریو (تأسیس: ۳۷ ق. م.) در بخش شمالی شبه‌جزیره و منچوری توسعه یافت و پکچه و شیلا در امتداد حوضه رودخانه هان^۲ و دشت‌های گیونگجو^۳ به وجود آمدند (RKI, 1995: 22-23). دولت‌های جنوبی شامل ملت‌های کوچک‌تر ماهان^۴، جینهان^۵ و پیونهان^۶ بودند که در مجموع سامهان^۷ نامیده می‌شدند و در قرن اول قبل از میلاد در طول سه پادشاهی اولیه کره ظهور کردند. در قرن چهارم ملت‌های ماهان، جینهان و پیونهان به ترتیب در پادشاهی‌های پکچه (تأسیس: ۱۸ ق. م.)، شیلا (۵۷ ق. م. - ۹۳۵ م.) و کنفدراسیون کایا^۸ (تأسیس: ۴۲ م.) جذب شدند. «در قرن چهارم، شبه‌جزیره کره بین سه ایالت متمرکز تقسیم شد که شامل پادشاهی کوگوریو در شمال، پکچه در جنوب غربی و شیلا^۹ در جنوب شرقی بود. چهارمین نهاد سیاسی متشکل از گروهی از ایالت شهرها معروف به فدراسیون کایا بین شیلا و پکچه قرار داشت» (Chung and others, 2000: 108). البته قابل ذکر است که امپراتوری شیلا از سال‌های ۶۶۰ م. به منظور تحقق رویای خود که ایجاد یک اتحاد کامل در شبه‌جزیره است، با سلسله چینی تانگ^{۱۰} متحد شده و به تدریج موفق به از میان برداشتن رقبای خود می‌شود. بنابراین، امپراتوری شیلا تا فاصله سال‌های ۶۶۸ م. کایا و پکچه را تصرف کرده و کوگوریو را نیز شکست می‌دهد. سرانجام امپراتوری شیلا در مواجهه با تهدیدهای تانگ در سال ۶۷۶ م. موفق به بیرون راندن قوای آنها شده و سه پادشاهی را متحد می‌کند که نتیجه آن تشکیل یک دولت و فرهنگ ملی مستقل در سراسر شبه‌جزیره کره است (RKI, 1995: 28).

¹. Shilla

². Han River

³. Kyongju

⁴. Mahan

⁵. Chinha

⁶. Pyonhan

⁷. Samhan

⁸. Kaya Federation

^۹. به دلیل وجود تفاوت در ساختار هجایی و آواها در دو زبان فارسی و کره‌ای، تمایز ظریفی در تلفظ برخی از کلمات علی‌رغم داشتن حروف مشابه وجود دارد. برای مثال در زبان کره‌ای برای ادای حروف "س" و "ش" تنها یک حرف صامت "ㅅ" وجود دارد. بنابراین، لفظ "شیلا" به دو صورت سیلا و شیلا تلفظ و نگاشته می‌شود. همانطور که برای تلفظ آواهای دیگر مثل "ب" و "پ" (ㅂ)، "ک" و "گ" (ㄱ) نیز چنین است.

¹⁰. Tang Dynasty

موقعیت سرزمینی فلات ایران و آسیای مرکزی

روابط ایران و شبه‌جزیره کره که اساس آن بیشتر بر پایه مناسبات فرهنگی بوده، از حدود ۱۵۰۰ سال پیش در مسیر جاده باستانی و بسیار مهم ابریشم^۱ شکل گرفت. این جاده صرفاً مسیری برای عبور کالا و اجناس تجاری نبود، بلکه شبکه‌ای از راه‌ها و نقاط اتصالی بود که کاروان‌های تجاری، بازرگانان، مسافران، راهبان و پیروان مذاهب دیگر، بسیاری از مصادیق فرهنگ را در آن جابه‌جا می‌کردند. اینگونه است که بین دورترین سرزمین‌ها نیز ارتباط برقرار شده و یک سبک یا فن هنری، ظرفی بلورین، تکه‌ای از یک ابریشم یا به طور خاص‌تر آئین‌ها، مفاهیم مذهبی و ایده‌ها را از غربی‌ترین نقطه این مسیر به شرقی‌ترین نقطه آن انتقال داده است. پیدایش و ظهور سبک‌های هنری مشترک، نفوذ مذهبی و شباهت در برخی جنبه‌های هویت فرهنگی، برآیندی از این تعاملات فرهنگی بوده است.

فلات ایران در جنوب غربی آسیا واقع شده و به عنوان یکی از کهن‌ترین سکونتگاه‌های بشر در جهان، همواره نقشی مهم در تبادلات فرهنگی بین غرب و شرق ایفاء کرده است. در نتیجه این نقش ارتباطی سبب شده تا محل تلاقی تمدن‌های مختلف باشد و به تبادل کالاها، فرهنگ‌ها و ایده‌ها کمک کند. وجود آسیای مرکزی در همسایگی فلات ایران و قرارگیری آنها در مسیر باستانی ابریشم، این مناطق را به مراکز مهم تجارت بین شرق و غرب تبدیل کرده بود. «ایران شرقی و آسیای مرکزی شامل آن گستره وسیع از سرزمینی است به نام ترکستان که از دریای خزر تا استان کانسو چین امتداد دارد» (Azarpay, 1986: Iranika). این سابقه تاریخی و فرهنگی مشترک در زمینه‌های زیادی از جمله: زبان، تجارت، هنر و معماری قابل مشاهده است. چرا که آسیای مرکزی پیش از ظهور اسلام مسکن اقوام ایرانی (با منشاء هند و اروپایی) مثل: سغدی‌ها، خوارزمی‌ها، سکاها، سارمات‌ها، پارت‌ها و کوشانی‌ها بوده و هر کدام به یکی از زبان‌های ایرانی تکلم می‌کردند (Windfuhr, 2009: 12). جاده ابریشم نیز مهم‌ترین مسیر ارتباطی بین فلات ایران، آسیای مرکزی و خاور دور بوده است. این شبکه عظیم ارتباطی، مردمان را به وسیله جاده‌هایی که از کوه‌ها، بیابان‌ها و دشت‌ها عبور می‌کرد؛ به مراکز مهم تمدنی و فرهنگی آن روزگار وصل می‌کرد. بنابراین، می‌توان گفت که هنر آسیای مرکزی در طول دوره باستان و از طریق مسیر ابریشم با هنر شبه‌جزیره کره ارتباط داشته است. برآیند این نقش در انتقال جلوه‌های فرهنگی از هزاره‌های اول پیش از میلاد به شرق دور و از جمله شبه‌جزیره کره قابل شناسایی است. «احتمال می‌رود که در هزاره اول پیش از میلاد، فلات قاره ایران با فلات جنوب

^۱. Silk Road

شرقی آسیا روابطی داشته که در منطقه ماچین ریشه دوانیده و تدریجاً بقایای آن به شبه‌جزیره کره رسیده» (ستوده‌نژاد، ۱۳۸۳: ۳۴). دره فرغانه از هزاره دوم پیش از میلاد (عصر برنز) ارتباط نزدیکی با مناطق تیان‌شان، سیمرچی و تاشکند داشته و معرف فرهنگ و تمدن کشاورزی بود. احتمالاً این ارتباط با سرزمین‌های دوردستی مثل ترکستان جنوبی، ایران، چین و حتی هندوستان مرکزی نیز برقرار بوده است (فرامکین، ۱۳۷۲: ۷۳). گروه‌های جمعیتی مستقر در پهنه فلات ایران تا شرق و جنوب شرقی آسیا که متشکل از اقوام گوناگون بوده و از طریق تجارت، گرایش‌های مذهبی، دلایل سیاسی و نظامی به هم مرتبط می‌شدند، از عوامل پیوندهای فرهنگی محسوب می‌شوند. در واقع تحولات هر کدام از این گروه‌ها منجر به برخوردهایی می‌شد که گاه از سطح منطقه مورد نظر فراتر رفته و تأثیرات خود را بر دیگر سرزمین‌های دوردست نیز می‌گذاشت. برای مثال بودیسم در قسمت شرقی پادشاهی اشکانی به سرعت در حال گسترش بود و اندیشمندان اشکانی که به چین رفته بودند، در فعالیت‌های ادبی و تبلیغی شرکت داشتند (Koshelenko And Pilipko, 1994: 144). اگر چه این تنها پیامد آن نبود و به دلیل گرایش مردمان قلمرو اشکانیان به شاخه مه‌ایانه^۱ در دیانت بودایی و خدمات برجسته‌ای که مردم سغد، ختن، سکاها، پارت‌ها و دیگر راهبان محور تمدن ایرانی در چین و بودیسم چینی انجام دادند؛ تأثیرات بودیسم آسیای میانه را به شبه‌جزیره و دوره سه پادشاهی در تاریخ کره انتقال داد (ستوده‌نژاد، ۱۳۸۳: ۴۷). روشن است که نقش سرزمین‌های واقع در آسیای مرکزی به‌علاوه حرکت فعالانه گروه‌های قومی در انتقال برخی میراث‌های فرهنگی به خاور دور و از جمله کره بسیار مهم بوده است. باکتریایی‌ها، کوشان‌ها، سارمات‌ها، سکاها و دیگر اقوام صحراگرد فعال در آسیای مرکزی و به‌ویژه در مرزهای شاهنشاهی ساسانی، تأثیراتی مهم در ایجاد برخورد و حتی گسترش روابط داشته‌اند. خاستگاه سکاها و سارمات‌ها در طی یک دوره طولانی جنوب روسیه و شمال ترکستان بود؛ در حالی که جنوب ترکستان در تصرف گروهی متفاوت قرار داشت که به خوارزمی‌ها، سغدی‌ها و باکتریایی‌ها معروف بودند (بهزادی، ۱۳۷۳: ۲۵). از طرفی دوره سه پادشاهی در کره هم‌زمان با دوره ساسانیان در ایران است که عصری مهم در ارتباطات بین ایران و شبه‌جزیره کره محسوب می‌شود. «بدیهی است که نه تنها قرن ششم پس از میلاد را می‌توان دوره شگفت‌انگیزی در پیوندهای دوجانبه ایران و مشرق زمین در دوره ساسانیان ارزیابی کرد که تجارت و سفر ایرانیان بودایی به آن منطقه (از دوران پیش از ساسانیان) را نیز باید به این تصور اضافه کرد» (Akbarzadeh, 2020: 268).

^۱. Mahayana

بررسی ارتباط گروه‌های جمعیتی مهم در آسیای مرکزی

در نگاه نخست، فرهنگ هر منطقه‌ای به مثابه یک واحد منحصربه‌فرد نسبت به دیگر مناطق به نظر می‌رسد که آداب و رسوم، زبان و سایر عناصر فرهنگی در آن جریان دارند. اما نگاهی دقیق‌تر به جزئیات نشان می‌دهد که فرهنگ یک پدیده ایستا نیست و در طول تاریخ از طریق تبادلات با یکدیگر تغییر و تکامل یافته‌اند. تبادلات فرهنگی شامل انتقال ایده‌ها، کالاها و رسوم می‌شود که زمینه پیوند و شباهت‌های بین‌فرهنگی را فراهم می‌آورد. این انتقال عناصر فرهنگی از طریق مهاجرت‌های انسانی، جنگ‌ها و تجارت صورت می‌گیرد و در نهایت زمینه را برای پویایی و غنای فرهنگی در مناطق مختلف فراهم می‌آورد. اجزای تشکیل‌دهنده این بخش مهم از جامعه انسانی، توسط حرکت‌های بی‌وقفه فعالان و کنشگران آن در طی هزاره‌ها در میان جوامع مختلف نفوذ کرده است.

رشد و توسعه تمدن‌ها در آسیای مرکزی و در محدوده زمانی ۷۰۰ قبل از میلاد تا ۲۵۰ میلادی متأثر از دو عامل کلیدی، یعنی دامداری عشایری و کشاورزی بود. «قلمرو آسیای مرکزی که از گستره وسیعی از زمین‌های استپی، بیابانی و نیمه‌بیابانی با مراتع فصلی خوب است، طبیعتاً برای توسعه دامداری عشایری تعیین شده بود» (Abetekov And Yusupov, 1994: 24). گسترش کشاورزی از یکسو به یکجانشینی اقوام ساکن این منطقه، پیدایش شهرها و رونق صنعتگری انجامید و از سوی دیگر، دامداری و ظهور عشایر سوارکار که از وسایل نقلیه چرخ‌دار استفاده می‌کردند، سبب پراکندگی و مهاجرت آنها به مناطق مختلف آسیا شد. از آنجایی که زندگی سیاسی و اقتصادی این قبایل جدای از هم نبوده، پس فرهنگ مادی مشترکی دارند که نمی‌توان به صورت مجزا آن را بررسی کرد. اقوام شمال ایران با در پیش گرفتن شیوه زندگی عشایری توانستند به مناطق استپی وسیعی از آسیا دست پیدا کنند. پیچیدگی‌های زندگی عشایری به تدریج سبب تکامل نظام زندگی قبیله‌ای و شکل‌گیری اتحادیه‌هایی از عشایر ایرانی شد؛ در نتیجه چندین ایالت عشایری از ایلات شمال ایران در طی قرن هفتم تا ششم قبل از میلاد در آسیای مرکزی شکل گرفت که از جمله آنها می‌توان به سکاها، کوشان‌ها، یوئه‌چی‌ها، مادها و پارس‌ها اشاره کرد. سکاها^۱ در غرب مستقر بودند و عشایر ایرانی با حرکت به سمت جنوب و انتخاب شیوه یکجانشینی، اقوام جنوب ایران را برای نخستین بار تحت کنترل خود درآوردند (Harmatta, 1994: 476-478). ظهور پارس‌ها (هخامنشیان) در اواسط قرن ششم

^۱. نظر کلی محققان بر این است که سکاها جزو هند و اروپائیان و احتمالاً از نژاد ایرانی باشند. البته نظر دیگری مبنی بر نژاد اویغوری - آلتائی آنها وجود دارد. برای اطلاعات بیشتر به کتاب سکاها اثر تامارا تالبوت رایس مراجعه شود.

پیش از میلاد و تسلط بر قلمرو پهناوری که از دریای اژه تا رود سند را در بر گرفته بود؛ سبب ادغام مناطق استپی و جمعیت‌های ساکن گردید (کورت، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۶). در نهایت تماس دائمی بین یکجانشینان و عشایر سبب نفوذ عناصر فرهنگی و تمدنی پارسی، بسیار فراتر از خاور نزدیک شد. با حمله اسکندر شاهد حضور عناصر یونانی و هلنیسم بر این مناطق هستیم که مهم‌ترین تأثیر آن توسعه گسترده تجارت توسط پادشاهان یونانی-باختری بود. کالاهای مادی و فرهنگی در سرتاسر آسیای مرکزی بین غرب و شرق امکان تبادل پیدا کردند و شهرنشینی در حوزه تاریخ از قرن سوم قبل از میلاد شروع به رشد کرد (Abetekov And Yusupov, 1994: 24). جمعیت این منطقه متشکل از قبایل سکاها بود که به تدریج به سمت غرب رانده شدند و بخش شرقی حوزه تاریخ تحت کنترل مردم هند و اروپایی درآمد. بعدها قبایل شیونگ‌نو^۱ (۱۷۵ ق. م.) بر حوزه تاریخ حاکمیت یافتند که به یکی از انواع زبان‌های ایرانی شرقی صحبت می‌کردند.^۲ تحرک دوباره سکاها سبب اسکان شاخه غربی آنها در سیستان و تأسیس حکومت سکاها در گاندهارا^۳ بود. سکاها شیوه زندگی عشایری را با اتخاذ آداب اجتماعی و اقتصادی جدید تغییر داده و عناصر فرهنگ یونانی، اشکانی و هندی را پذیرفتند. «یوئه‌چی‌ها از نیمه دوم قرن دوم قبل از میلاد تا اوایل قرن اول میلادی، آسیای مرکزی و افغانستان کنونی را تصرف کرده و بر آن حکومت کردند (enoki and others, 1994: 165). یوئه‌چی‌ها در شمال رودخانه آمودریا اتحادیه‌ای تشکیل دادند که شامل پنج قبیله بود. در مورد منشأ آنها گفته شده که: «طوایف یوئه-چی احتمالاً ایرانی بودند و شامل تخاری‌هایی نیز می‌شوند که بعدها نام خود را به باکتريا دادند» (بهزادی، ۱۳۷۳: ۲۵). کوشان‌ها^۴ (از حدود ۴۰ تا ۲۶۰ م.) یکی از قبایل یوئه‌چی بودند که توانستند با گسترش قلمرو خود، مهم‌ترین سواحل غربی هند را کنترل کنند. آنها از طریق کنترل بر گذرگاه‌های تجاری شرق و غرب، کالاهای چینی مثل ابریشم، سنگ‌های قیمتی، ادویه‌ها و ظروف فلزی را از حوزه تاریخ به پارت، مصر، اروپا و امپراتوری روم منتقل می‌کردند. فروپاشی اشکانیان و ظهور ساسانیان در سال ۲۲۴ م. تأثیر جدی بر موقعیت سیاسی و اقتصادی کوشان‌ها (قرن اول تا چهارم و پنجم میلادی) داشت؛ چرا که کنترل بر مسیر ابریشم و سفد را از دست

1. Xiongnu Or Hsiung-Nu

۲. پنج گروه زبانی ایرانی میانه شامل زبان سغدی، ختنی سکا، اشکانی، خوراسمی و باختری می‌شوند. الگوی پراکندگی جغرافیایی گروه‌های زبانی ایران شرقی، تقریباً از حدود شرقی‌ترین استان‌های امپراتوری هخامنشی در قرن پنجم پیش از میلاد پیروی می‌کند. برای مطالعه بیشتر به مقاله هنر در ایران، تاریخ ایران شرقی و آسیای مرکزی از گیتی آذرپای در ایرانیکا مراجعه شود.

3. Gandhara

۴. کوشان‌ها بر بخش‌هایی از شمال هند (از جمله پاکستان و افغانستان امروزی) حکومت کردند. برای اطلاعات بیشتر به کتاب Silk Road A New History, Valerie Hansen مراجعه شود.

دادند و به یک ایالت تابعه پادشاهی ساسانی تبدیل شدند. «توسعه تمدن در اوایل سده‌های میانه در آسیای مرکزی و سنت‌های هنری عظیم آن به طور مستقیم با ایجاد مسیر ابریشم که چین را به هند و غرب متصل می‌کرد، مرتبط بود. تمدن‌های بی‌تحرک آسیای مرکزی از قرن اول میلادی تا قرن هشتم میلادی با ایجاد تردد بین‌قاره‌ای و الهام از فرهنگ‌های هند و بودایی، ایران باستان، یونان و روم و چین در اوایل سده‌های میانه، دوره‌ای از توسعه سریع را پشت سر نهادند» (Azarpay, 1986: iranika).

در این میان، نقش سکاها در انتقال عناصر فرهنگی ایرانی به خاور دور بسیار مهم بود. الگوهای حیوانی از روشن‌ترین عناصری است که بین اشیاء کاوش شده در سایت‌های باستانی مربوط به دوره شیلا و آثار مادی پارسی وجود دارد؛ این خود نشان‌دهنده اتصالی گسترده بین گروه‌های جمعیتی آسیای مرکزی، ایران و خاور دور به‌شمار می‌رود. بنابراین، نقش سغدی‌ها و موقعیت آسیای مرکزی به عنوان حلقه‌های واسط در ارتباطات ایران و شرق دور حائز اهمیت هستند. «نهایتاً تمدن سغدی‌ها که شامل عناصر هنری و نقاشی‌های دیواری قابل ارتباط با تمدن کره و آئین بودایی و اساطیر ایران باستان است، پل ارتباط بین ایران باستانی در عهد ساسانی و میراث اشکانیان و سکاها و اقوام مهاجر سکایی با خاور دور و به‌ویژه کره در دوره اول سده پادشاهی بوده است و آسیای مرکزی نقشی مهم در انتقال میراث تمدن باستانی ایران از هزاره‌های پیش از میلاد تا پایان دوره ساسانی در محورهای شرقی در نواحی منتهی به شرق آسیا را ایفاء کرده است» (ستوده‌نژاد، ۱۳۸۳: ۶۳). بیشترین شواهد به‌جای مانده از انتقال و ادغام میراث‌های تمدن باستانی ایران در طی جاده ابریشم در سایت‌ها و مقبره‌های باستان‌شناسی عصر شیلا قابل مشاهده و بررسی است. اما قابل ذکر است که در سرتاسر این شبکه عظیم ارتباطی، اثر و نفوذی از وجود این ارتباط و انتقال یافت می‌شود که به ترتیب، مهم‌ترین آنها بررسی خواهد شد.

نقش سایت‌های باستان‌شناسی در تأیید روابط ایران و خاور دور

الف: محوطه باستانی گیونگجو

مقابر و آرامگاه‌های گیونگجو^۱ در کره به عنوان نخستین محوطه (سایت) باستانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقابر در واقع جایگاه دفن پادشاهان دودمان شیلا، شاهزادگان و اعضای خاندان سلطنتی بوده است. سایت باستان‌شناسی گیونگجو شامل گنجینه‌ای ارزشمند

^۱. Gyeongju

از اشیاء، ظروف و بقایای شواهدی است که نمایانگر پیوندهای عمیق فرهنگی میان خاور دور و آسیای مرکزی است. تحقیقات نشان‌دهنده تأثیر قابل توجه هنر سکاها، به‌ویژه در زمینه استفاده از نقوش حیوانی^۱ بر هنر دوره شیلا است. علاوه بر این، بررسی‌های انجام شده، نفوذ و تلفیق هنر دوره سیلا با الگوهای هنری دیگر اقوام آسیای مرکزی مثل سغدی‌ها و پارسی‌ها را نیز نشان می‌دهد. «سغدیان (زرتشتی) نقش انکارناپذیری در انتقال و ترویج باورهای دینی مزدائیسیم و هنر ساسانی داشتند» (Akbarzadeh, 2020: 268)، اما نظر برخی محققان دیگر مبنی بر این است که بیش از آنچه تصور می‌شده، در میان سغدی‌ها پیروان آئین بودایی بوده است. به هر حال سه دین زرتشتی، مانوی و بودایی در میان مذاهب گوناگون تمدن سغدی وجود داشته است (فرامکین، ۱۳۷۲: ۱۳۱ و ۶۳). به طور کلی تأثیر هنر سکایی از نوع استفاده از الگوهای حیوانی کاربردی بر هنر دوره شیلا است و شامل ظروف، زیورآلات و سلاح‌ها می‌شود. در هنر سکایی «دسته‌های شمشیر را که معمولاً از ایران اقتباس شده بود، با طرح‌های پیچیده ایرانی می‌آراستند؛ هر چند غالباً در قبضه آنها تندیس یا سر جانوری ویژه سکایی می‌گذاشتند» (رایس، ۱۳۸۸: ۱۴۱). از طرفی نفوذ سبک ساسانی نیز در هنر شیلا قابل تشخیص است که نشان‌دهنده تبادلات دیرینه بین آسیای مرکزی و خاور دور است. برای مثال کاوش‌هایی در جنوب روسیه که محل گورهای سکایی است، اشیائی متأثر از عناصر فرهنگ ایرانی را نشان می‌دهد (Andreeva and Atwood, 2017: 7). بنابراین، نقش سکاها در انتقال عناصر فرهنگ ایرانی به شرق دور و کره بسیار مهم بوده است.

اولین مورد یک شیء ساسانی - بودایی (لوپ تزئینی) در موزه ملی گیونگجو است که در معبد بودایی بونهوانگسا^۲ در منطقه گیونگجو در سال ۲۰۰۱م. کشف شد. این معبد توسط ملکه سئوندئوک^۳ (۶۴۷-۶۳۲م.) با هدف حفظ سلطنت در سال ۶۳۴م. ساخته شده است. گیونگجو در طول دوره سه پادشاهی و شیلائی متحد، برای بیش از ۱۰۰۰ سال پایتخت امپراتوری شیلا بوده و به نوعی آن را به مرکزی اقتصادی برای شبه‌جزیره تبدیل کرده بود. بنابراین، کالاها و اجناس مختلف از طریق جاده ابریشم و سرزمین‌های غربی وارد آخرین نقطه از این مسیر در شرق دور می‌شدند. لوپ مذکور با نقش پرندگان و گل تزئین شده که

^۱. هنر موسوم به سبک حیوانی را باید از منشاء ایرانی و آسیای مرکزی آن جستجو کرد که قبایل مختلف ساکن در این گستره وسیع، عوامل فرهنگی متعدد را جذب کرده و در میان ساکنان همگون آن گسترش دادند. مدارک و شواهد حاکی از حضور این سبک از جمله در میان سیت‌ها (قزاقستان مرکزی)، سکاها و کوشانی‌ها است. برای اطلاعات بیشتر به کتاب باستان‌شناسی در آسیای مرکزی اثر گرگوار فرامکین مراجعه شود.

^۲. Bunhwangsa

^۳. Seondeok

دو پرندۀ را روبروی هم به تصویر می کشد؛ اینگونه که پرندگان رو به سمت بالا در حال پرواز هستند و در منقار آنها گیاهی وجود دارد، در حاشیه آن نیز نواری از مهره های مروارید شکل، گرداگرد لوپ را احاطه کرده اند و از این جهت شباهت زیادی به نقوش رایج در هنر دوره ساسانی دارند (گانتز و جت، ۱۳۸۳: ۲۰۵). همانطور که بیان شد، این لوپ با نقش پرندگان و گل تزئین شده که نشان دهنده نفوذ هنر و نمادشناسی ساسانی در کره و همچنین پیوند آن با بودیسم در طول جاده ابریشم است. همچنین این لوپ از آثار تاریخی دوره ساسانی یا حداقل به شدت تحت تأثیر هنر ساسانی است؛ چرا که نقش پرندگان و حیوانات معمولاً بخشی از هنر و نمادشناسی دوره ساسانی محسوب می شده است. به نظر می رسد که نقوش پرندگان (با حیوانات دیگر) روبروی هم از آسیای مرکزی تا خاور دور رایج بوده است (Akbarzadeh, 2020: 269). این پرندگان گیاهی را در منقار خود دارند که به نظر همان نیلوفر آبی مقدس در آئین بودا می باشد. نیلوفر آبی در بودیسم نشان از روشنگری، پاکی و تولدی دوباره است که در آئین بودا جایگاه ویژه ای دارد (به نوعی یادآور چرخه مرگ و زندگی نیز هست). اگر به نگاره ها و مجسمه هایی که از بودا به جای مانده، توجه شود؛ می بینیم که وی همیشه بر روی یک نیلوفر آبی نشسته است. در واقع نقش نگاره ها، گچ پری و تزئینات ظروف و معماری در دوره ساسانی به دلیل تبادلات پی در پی ایران ساسانی و کوشانیان، با هنر بودایی در امتداد جاده ابریشم پیوند خورده است (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۲۵۲). در هنر دوره ساسانی نیز این گل از جمله در نقش نگاره ها و فلزکاری ها به عنوان یک عنصر تزئینی به کار رفته است. در نتیجه وجود چنین نمادی در یک معبد بودایی در کره نشان دهنده تأثیر متقابل بین این دو فرهنگ بوده که اتصال آنها در واقع توسط بودیسم صورت گرفته است.

نقش نیلوفر آبی در بسیاری از آثار منطقه گیونگجو قابل مشاهده است و از همین رو، به عنوان الگویی در نظر گرفته می شود که در طی جاده ابریشم و متأثر از عناصر هنری دیگر مناطق به شبه جزیره کره رسیده است. از آنجایی که الگوی نیلوفر آبی هم در هنر سغدی و مانوی کاربرد مهم داشته و هم در نگاره ها و نقاشی های دیواری غارهای دونهوانگ^۱ در چین مشاهده می شود؛ می توان به ارتباط آنها از این طریق پی برد. کاربرد همسان نقش مایه نیلوفر آبی در نگاره های مانوی، آسیای میانه و سغدی قابل مشاهده است (محمدی و حاتم، ۱۳۹۰: ۶۷ و ۶۳). معابد غار موگائو^۲ از مهم ترین مکان های هنر بودایی^۳ (تأسیس در اواخر

^۱. Dunhuang Caves

^۲. Cave Temples Of Mogao

^۳. قابل ذکر است که هزاران نسخه از سوتراها، نامه ها، قراردادهای، اشعار، برگه های دعا و اسناد رسمی در این غارها کشف شده است. به علاوه آثار هنری که شامل نقاشی های دیواری، مجسمه های گچ پری، معماری، خوشنویسی، موسیقی و

قرن چهارم میلادی) در جهان است که در نزدیکی دونهوانگ، شمال غربی چین واقع شده و به همین دلیل به غارهای دونهوانگ نیز معروف هستند (1: whitfield and others, 2000). داریوش اکبرزاده در مقاله‌ای که به بررسی لوپ تزئینی موجود در موزه ملی گیونگجو پرداخته؛ اصطلاح "مصنوعات ساسانی- بودایی" را به آن نسبت داده است. وی همچنین عنوان می‌کند که ممکن است نگهدارنده این حلقه در معبد گیونگجو یک ایرانی باشد که زرتشتی و یا زرتشتی- بودایی بوده و کار خود را با نیلوفر مقدس جاودانه کرده باشد. چرا که هم از عناصر هنر ساسانی استفاده کرده و هم عناصر هنر بودایی را با آن ترکیب کرده است.

ب- مقبره هوانگنام دونگ

مورد بعدی مقبره هوانگنام دانه چونگ^۱ یک گنجینه با ارزش از دوره شیلا در هوانگنام دونگ^۲، کیونگجو-سی^۳ است. کاوش‌ها در این مقبره از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۵م. توسط مؤسسه ملی میراث فرهنگی کره صورت گرفت و به کشف گنجینه‌های با ارزش طلا و نقره، اشیاء فلزی، سنگ‌های قیمتی و کالاهای وارداتی و کمیاب منجر شد. کشفیات موجود از مقبره و وسعت آن (بزرگترین مقبره شیلا که تاکنون کشف شده) هویت این مکان را روشن می‌سازد؛ یک مقبره سلطنتی که در قرن پنجم میلادی در دوره ماریپگان^۴ ساخته شده است. این مقبره سلطنتی دارای دو آرامگاه است که به هم متصل شده‌اند، به گونه‌ای که پادشاه در تپه جنوبی و ملکه در تپه شمالی دفن شده است. در این مقبره تعدادی از مصنوعات شیشه‌ای کاوش شده که هفت مورد آن از مقبره جنوبی و چهار مورد آن از مقبره شمالی است. در این میان سه مورد از مقبره جنوبی و دو مورد از مقبره شمالی، کالاهای تجاری مربوط به مسیر ابریشم هستند. گمان بر این است که آثار مقبره جنوبی در اوایل دوره بیزانس و در منطقه بین سوریه و فلسطین ساخته شده باشد. با این حال، اعتقاد بر آن است که از آرامگاه شمالی، یک تکه شیشه برش خورده از ایران دوره ساسانی استخراج شده است (3: Choe, 2014).

چند نمونه از شیشه‌های کاوش شده در مقبره هوانگنام دونگ (کره جنوبی) در یک همکاری مشترک بین موزه ملی گیونگجو و موزه هنر شرقی اوکایاما (ژاپن) مورد بررسی و

¹. Hwangnamdae-ch'ong

². Hwangnam-dong

³. Kyongju-si

⁴. Maripgan

تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. اولین مورد یک کاسه شیشه‌ای آبی حفاری شده از تپه جنوبی مقبره هوانگنام دانه چونگ بود که فرض تحلیلگران مبنی بر تولید آن در منطقه آسیای مرکزی است. دومین مورد یک کاسه شیشه‌ای تزئین شده از مقبره هوانگنام دانه چونگ است که به دلیل تزئینات برش خورده از ظروف شیشه‌ای ساسانی به شمار می‌رفت. با این حال، بررسی‌های بیشتر و درصد مواد تشکیل‌دهنده این شیشه‌ها، ویژگی‌های نوعی شیشه را نشان داد که در منطقه مدیترانه (سوریه و فلسطین) تولید می‌شده است (Abe And Others, 2019: 20-21).

کشف یک شی شیشه‌ای دیگر در جزیره‌ای در ژاپن (اوکینوشیما) نشان داد که چگونه این ظروف شیشه‌ای، جاده باستانی ابریشم را طی کرده و به خاور دور از جمله کره و ژاپن رسیده‌اند. «مطابقت واضح ترکیب شیمیایی بین خرده و شیشه کاوش شده از محوطه شهری ساسانی در بین‌النهرین نشان داد خرده‌ها از نوع ظروف شیشه‌ای است که عمدتاً در کارگاه‌های امپراتوری ساسانی بین قرن‌های پنجم و هفتم میلادی تولید می‌شده است» (Abe And Others, 2021: 8). جزیره اوکینوشیما بین جزیره کیوشو و شبه جزیره کره قرار گرفته است و در نهایت پلی را تشکیل داده‌اند که در طی سالیان دراز تبادلات فرهنگی بین چین، شبه جزیره کره و آسیای جنوب شرقی را رقم زده است.

در مقابر سلطنتی گیونگجو، تاج‌های طلایی که مختص شاهان و اعضای خاندان سلطنتی طراحی و ساخته شده نیز کشف شده است. تزئینات و طراحی این تاج‌ها تأثیر پذیرفته از فرهنگ‌های مختلف مثل کوگوریو، پکچه، چین و حتی هند و آسیای مرکزی است. بررسی و مقایسه آنها با تاج کشف شده در تیلیا تپه^۱ افغانستان، نشان از شباهت سبک این تاج با تاج‌های کره‌ای دارد. این تاج در مقبره شماره ۶ تیلیا تپه کشف شده و بخشی از یک لباس تدفین گرانبها بوده است و به نمونه‌های عشایری در آسیای مرکزی مربوط می‌شود. شباهت موجود بین تاج‌های کره‌ای و تاج طلایی تیلیا تپه در جزئیات ساخت، مانند به‌کارگیری نقوش درخت، پرند و آویزهایی است که در آنها به‌کار رفته است (Youso, 2008: 46). بنابراین، طرح بیرونی مشترک این تاج‌ها با یکدیگر می‌تواند نشان‌دهنده این واقعیت باشد که کره‌ای‌ها از طریق تماس با مردم استپ اوراسیا با ایرانیان (سکاها) در ارتباط بودند. «از نقطه نظر کاربرد تزئینات و طراحی و ساختار عناصر و اشیاء هنری نیز شباهت و بازتابی از اروسیا و محورهای شرقی تمدن‌های هندو اروپایی و فاز هند و ایرانی را می‌توان در

^۱. Tillya (Tillia) Tepe

شبه جزیره کره به خصوص در یافته‌های آرامگاه‌های شاهزاده‌های اشرافی خاندان شیلا شناسایی کرد» (ستوده‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

علاوه بر ظروف شیشه‌ای و تاج‌های طلایی باید به نکته جالب توجه دیگری نیز اشاره کرد و آن وجود مجسمه‌هایی سنگی در پایتخت باستانی شیلا، گیونگجو است. آنچه در مورد این مجسمه‌های سنگی اهمیت دارد؛ این است که شکل مجسمه‌ها شباهتی به چهره مردمان ساکن در شبه جزیره کره ندارد. در واقع نکته حائز اهمیت، شباهت بین این مجسمه‌ها با مردمان آسیای میانه، سغدی‌ها و گاه‌آیرانی‌ها هست. در نتیجه، بررسی کوتاهی بر مجسمه‌های این مقبره نشان از تأثیری دارد که مجسمه‌سازی شیلا از دیگر سرزمین‌های غربی و حتی خارج از محدوده چین گرفته است. «سیر مجسمه‌سازی اتحادیه شیلا ترکیبی از منحصر به فرد بودن بودیسم کره‌ای و تأثیرات چینی از سلسله‌های شمالی و جنوبی و سلسله‌های سوئی و تانگ است. با این حال، همچنین تأیید می‌شود که برخی از مجسمه‌های شیلا تحت تأثیر کشورهای خارج از چین مانند کشورهای غربی و هند قرار گرفته‌اند. نمونه‌ای در تصویری که در مقبره سی و هشتمین پادشاه شیلا، وونسونگ^۱ در کواورونگ-ری^۲ یافت شده، نشان داده شده است» (Choe, 2014: 10). در این تصاویر و مجسمه‌ها، به شباهت‌های اصلی که چشمان عمیق و بینی بزرگ بوده، اشاره شده است. به علاوه شمایل آنها دارای ریش‌های بلند و موج‌دار، قامت بلند، صورت مستطیل شکل و ابروهای حجیم است. شیوه لباس پوشیدن و استفاده از عناصری که در پوشش مردمان ایرانی و آسیای مرکزی دیده می‌شود نیز قابل توجه است. این مجسمه‌ها از آنجایی متمایز می‌شوند که شباهتی به ساکنان شبه جزیره کره و جنوب شرق آسیا ندارند. همانگونه که در نقش برجسته افراسیاب در قسمت شرقی ایران، فرستادگان شرقی که از کره آمده بودند، به همین شکل قابل تشخیص هستند. نقاشی‌های دیواری افراسیاب، مجموعه نقاشی‌های دیواری سغدی در سمرقند است که به قرن هفتم میلادی باز می‌گردند. در دیوار غربی، گروهی از سفیران کشورهای مختلف چون ایران، چین و کره‌ای‌ها به تصویر کشیده شده‌اند (Compareti, Iranika: 1984). از طرفی، دلیل دیگری که اشاره به ایرانی بودن این مجسمه‌ها دارد، وجود سربندهایی است که در زمان ساسانیان یا حتی پیش‌تر نیز استفاده می‌شده است. «به طور خاص یک نظر بی‌طرف وجود دارد که این مجسمه‌ها ایرانی هستند. مردم تانگ، ایرانیان را خوش اخلاق و دارای چهره‌های مشابه توصیف می‌کردند؛ به‌ویژه که در زمان ساسانیان نیز

^۱. Wonsong

^۲. Kwaerung-ri

سربندهایی (نوارهایی) بر سر داشتند» (Choe, 2014: 11). به نظر نقش این مجسمه‌ها و شیوه قرارگیری در مقابل مقبره‌ها تداعی‌کننده محافظت از پادشاه و مقبره است. نظر دیگر مبنی بر این است که مجسمه‌ها در واقع مربوط به جنگجویان منچوری آسیای مرکزی و بازرگانان سغدی است که در طول جاده ابریشم در حرکت بودند (lee, 2009: 114).

وجود مجسمه‌های مشابه دیگری در آرامگاه‌های امپراتوران چین نشان‌دهنده این است که بازرگانان ایرانی و سغدی و همچنین اشراف ایرانی از طریق چین با شبه‌جزیره کره آشنا شده‌اند. از جمله این مجسمه‌ها، مجسمه پیروز ساسانی در مقبره پادشاه گائوزونگ^۱ است. از طرفی به دلیل تأثیرپذیری هنر شیلا از مناطق غربی و به‌ویژه چین و هند، منطقی خواهد بود اگر این سبک مجسمه‌سازی در مقبره گیونگجو را متأثر از این مناطق بدانیم. بنابراین، نتیجه آن آشنایی ایرانیان حاضر در چین و دربار امپراتوری با شبه‌جزیره کره بوده است و به نوعی سبب تلفیق برخی عناصر هنری ساسانی با هنر دوره شیلا شده است. البته نظر دیگری وجود دارد مبنی بر اینکه ارتباط و تعامل مردم شیلا با سرزمین‌های نواحی غربی دشوار بوده و حتی امکان سفر به آنجاها نیز با سختی‌هایی همراه بوده است. از این رو بر این باورند که این آشنایی‌ها و تأثیرات از طریق چین و آسیای مرکزی صورت گرفته است. «بنابراین، نظر اخیر حاکی از آن است که به جای نفوذ مستقیم منطقه غرب، استدلال قانع‌کننده‌تر این است که هنرهای شیلا تحت تأثیر عناصر غربی رایج در فرهنگ تانگ قرار گرفته است» (Choe 2014: 15).

ج- کاوش‌های باستان‌شناسی در گائوچانگ

مورد بعدی در رابطه با کاوش‌های باستان‌شناسی در گائوچانگ^۲ که ۳۷ کیلومتر فراتر از شهر تورفان^۳ قرار دارد؛ هست. گائوچانگ یک شهر باستانی است که اکنون فقط ویرانه‌های آن باقی مانده است و در خارج از دیواره‌های آن قبرستانی وجود دارد که شامل حدود ۳۰۰۰ مقبره است. در این مقابر اسناد زیادی کشف شده که زندگی مردم عادی در جوامع نزدیک به جاده ابریشم را به خوبی ترسیم می‌کند «تعداد اسناد بازیابی شده در حدود دو هزار عدد است که بیش از سیصد عدد آن، قرارداد است و تاریخ آن از ۲۷۳ تا ۷۶۹ میلادی است. اینها و همچنین سایر اسناد مالی، به ویژه سوابق مالیاتی و تعداد قابل توجهی از سکه‌های نقره

^۱. Emperor Gaozong Of Song

^۲. Gaochang

^۳. تورفان منطقه‌ای بسیار مهم بین ایران و چین بوده که در مسیر شمالی اطراف صحرای تکه مکان قرار دارد.

کشف شده که اغلب آنها منشاء ایرانی - ساسانی یا اسلامی دارند؛ تصویری صحیح از شبکه‌های تجاری راه دور تورفان به ما می‌دهد.» (Andrea, 2014: 123). روشن است که تکیه این مناسبات بر روابط تجاری و بازرگانی بوده و تجار سغدی نیز نقشی مهم را در این بین ایفاء کرده‌اند. «سغدیان، مردمی که در شهر بزرگ سمرقند در ازبکستان امروزی و اطراف آن زندگی می‌کنند، در میان بسیاری از مشارکت‌کنندگان در فرهنگ جاده ابریشم بودند. تجارت بین چین و سغد در ۵۰۰ تا ۸۰۰ م. به اوج خود رسید و اکثر تاجران ذکر شده در اسناد کاوش شده نیز اهل سمرقند بوده‌اند» (Hansen, 2012: 4). والری هانسن در کتاب جاده ابریشم به بررسی این اسناد پرداخته که از جمله شامل قراردادهای تجاری و سوابق مالیاتی می‌شوند. او با بررسی اسناد و سکه‌های یافت‌شده از ایران به‌ویژه شرق کشور، سمرقند را مهم‌ترین شریک تجاری پادشاهی مستقل گائوچانگ (نزدیک تورفان) می‌داند.

نتیجه‌گیری

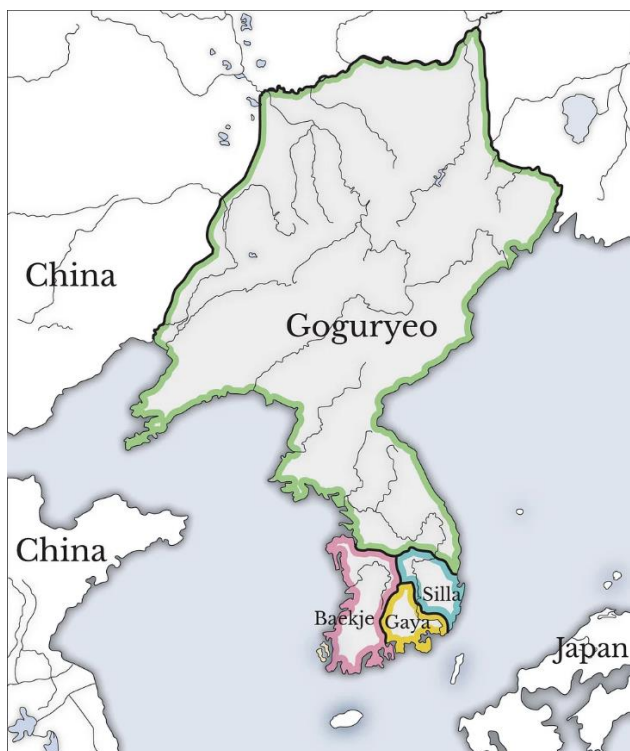
شواهد تاریخی و باستان‌شناسی آشکارا نشان از برقراری روابط تجاری و فرهنگی بین شبه‌جزیره کره و منطقه خاورمیانه در دوران باستان دارند. در این راستا، راه شاهی یا جاده ابریشم به‌عنوان یک مسیر تجاری مهم در ساده‌سازی روابط نقش برجسته‌ای ایفاء کرده است. با وجود کاستی‌های موجود در منابع، کاوش‌های باستان‌شناسی نقش اساسی در آگاهی از مناسبات بین ایران و شبه‌جزیره کره داشته‌اند. مقابر و آرامگاه‌های باستانی در کیونگجو (کره) و دونگ هوانگ (چین) از مهم‌ترین سایت‌های باستان‌شناسی در این زمینه محسوب می‌شوند. همچنین اشیاء کشف شده شامل ظروف شیشه‌ای، تاج‌های طلائی و برخی اسناد نوشتاری به زبان‌های ایرانی شرقی مثل سغدی هستند. بررسی ترکیب مواد موجود در این ظروف و شیوه ساخت آنها، نزدیک به آن ظروفی است که در منطقه هلال حاصلخیز و ایران ساسانی ساخته می‌شده است. همچنین تاج‌های طلائی شیلا در مقایسه با تاج‌های یافت شده در منطقه تیلیا تپه افغانستان، شباهت‌های زیادی دارند که حائز اهمیت است. قابل ذکر است که بازرگانان سغدی به‌عنوان واسطه‌های تجاری مهم در مسیر تجاری جاده ابریشم عمل می‌کردند. بنابراین، قرارگیری ایران در محل اتصال راه‌های تجاری شرق به غرب و ارتباط با گروه‌های جمعیتی آسیای مرکزی، روند گسترش فرهنگ، مذهب، هنر را تا خاور دور هدایت کرده است. الگوهای هنری یافت‌شده در مقابر سکایی نیز که بیشتر شامل نقوش حیوانی می‌شود، نشان دهنده ارتباط عناصر هنری از ایران، آسیای مرکزی تا خاور

دور است؛ به نحوی که محققان تاریخ هنر کره از تأثیرگذاری نمادها و عناصر هنری آسیای مرکزی بر هنر دوره شیلا سخن می‌گویند. وجود مجسمه‌هایی در مقبره پادشاهان شیلا در گیونگجو که چهره‌هایی شبیه ایرانیان دارند و به نحوی آنها را شاهزادگان ایرانی- ساسانی توصیف می‌کنند، پیشینه این مناسبات را پررنگ‌تر می‌کند و نتایج نشان می‌دهند که فرهنگ عرب و ایرانی از دوره باستان تأثیر به‌سزایی بر فرهنگ کره داشته‌اند.

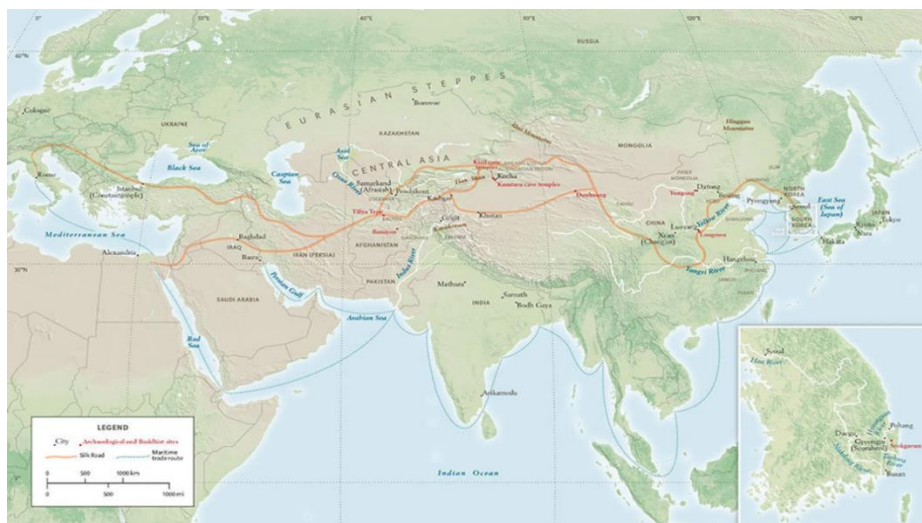
جدول دوره‌های زمانی بیانگر تاریخ حکمرانی هر دوره از سلسله‌ها و تطبیق زمانی آنها با یکدیگر در سه سرزمین ایران، چین و شبه‌جزیره کره

Iran	Korea	China
Parthian Empire (250 B.C.-226 A.D.)	Three Kingdoms: Shilla (57 B.C.-A.D. 935) Koguryo (37 B.C.-A.D. 668) Paekche (18 B.C.-A.D. 660)	Western Han Dynasty (206 B.C.-A.D. 25) Eastern Han Dynasty (25-220 A.D.)
Sassanid Dynasty (224-651 A.D.)	Parhae Kingdom (669-928 A.D.) Unified Shilla Kingdom (618-935 A.D.)	Sui Dynasty (581-618 A.D.) Tang Dynasty (618-907 A.D.)
Umayyad Caliphate (661-750 A.D.) Abbasid Caliphate (750-1258 A.D.)	Koryo Kingdom (918-1392 A.D.) Choson Kingdom (1392-1910 A.D.)	Song Dynasty (960-1279 A.D.) Yuan Dynasty (1271-1368 A.D.)

دو سوی آسیا: واکاوی مناسبات ایران و شبه‌جزیره کره در دوره باستان □ ۲۱



شکل ۱- سیمای شبه‌جزیره کره در دوره باستان



شکل ۲- نقشه مسیر جاده ابریشم تا آخرین مقصد آن به شبه‌جزیره کره



شکل ۳- نقشه فلات ایران و آسیای مرکزی در دوره باستان



شکل ۴- ظروف شیشه‌ای یافت‌شده در مقابر گیونگجو، محل نگهداری در موزه ملی گیونگجو - کره جنوبی.

منابع و مأخذ

فارسی:

- بهزادی، رقیه، ۱۳۷۳، *قوم‌های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران*، تهران: وزارت امور خارجه.
- رایس، تامارا تالبوت، ۱۳۸۸، *سکاها*، ترجمه: رقیه بهزادی، تهران: طهوری.
- ستوده‌نژاد، شهاب، ۱۳۸۳، *بازتاب تمدن‌های اشکانی- ساسانی بر سه پادشاهی در شبه‌جزیره کره*، میراث‌ها و پیوندهای فرهنگی- قومی ایران باستان با مردم کره، تهران: آشیانه کتاب.
- فرامکین، گرگوار، ۱۳۷۲، *باستان‌شناسی در آسیای مرکزی*، ترجمه: صادق ملک‌شهمیرزادی، تهران: وزارت امور خارجه.
- کورت، آملی، ۱۳۷۸، *هخامنشیان*، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، تهران: انتشارات ققنوس.
- گانتر، آن کلایبرن و پل جت، ۱۳۸۳، *فلزکاری ایران در دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی*، ترجمه: شهرام حیدرآبادیان، تهران: گنجینه هنر.
- گیرشمن، رمان، ۱۳۷۰، *هنر ایران در دوران پارسی و ساسانی*، ترجمه: بهرام فره‌وشی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- محمدی، محمد و غلامعلی حاتم، ۱۳۹۰، «*نقاشی سفیدی سرچشمه‌ای برای نگارگری ایرانی*»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۹۰، ش. ۱۴، صص. ۸۰-۶۱.
- نامی، محمدحسن، ۱۳۸۶، *جغرافیای کشور کره جنوبی*، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

لاتین:

- Abe And Others, Yoshinari, 2021, "Did Ancient Glassware Travel The Silk Road? X-Ray Fluorescence Analysis Of A Sasanian Glass Vessel From Okinoshima Island, Japan, Journal Of Archaeological Science, 2021, 40, 1-8.
- Abetekov And Yusupov, A-H. 1994, "Ancient Iranian Nomads In Western Central Asia", Published In History Of Civilizations Of Central Asia, The Development Of Sedentary And Nomadic Civilizations: 700 B.C. To A.D. 250, Volume II, Edited By Janos Harmattan, Unesco: France.
- Akbarzadeh, Daryoosh, 2020, "A Note On Sasanian-Buddhist Object Of Gyeongju National Museum", Studies In Ancient Art And Civilization, 2020, 24, 267-275.
- Andrea, Alfred, 2014, "The Silk Road In World History: A Review Essay", Asian Review Of World Histories, 10.12773, 105-127.
- Andreeva and Atwood, Petya V and Christopher P, 2017, "late Camp and audience scenes in iron age rock drawings from Khawtsugait Mongolia", University of Pennsylvania United States, pp.1-9.
- Azarpay, Guitty; 1986, "Art In Iran", Encyclopedia Iranika.
<https://www.iranicaonline.org/articles/art-in-iran-vi-pre-islamic-eastern-iran-and-central-asia>
- Choe, Kwangshik, 2014, "Silla Art And The Silk Road", International Journal Of Korean History, 2014, Vol.19, No.1, 1-22.
- Chung, Yang-Mo And Others, 2000, *Arts Of Korea*, The Metropolitan Museum Of Art, Yale University Press: New York.

- Compareti, Matteo, 1984, " *AFRASIAB II. Wall Paintings*", Last Updated: July 28, 2011, Vol.I, <https://iranicaonline.org/articles/afrasiabii-Wall-paintings-2>
- Enoki And Others, K, 1994, " *The Yueh-Chih And Their Migrations*", Published In *History Of Civilizations Of Central Asia, The Development Of Sedentary And Nomadic Civilizations: 700 B.C. To A.D. 250, Volume II*, Edited By Janos Harmattan, Unesco: France.
- Hansen, Valerie, 2012, *The Silk Road A New History*, Oxford University Press: United States (New York).
- Harmatta, J, 1994, *In History Of Civilizations Of Central Asia, The Development Of Sedentary And Nomadic Civilizations: 700 B.C. To A.D. 250, Volume II*, Edited By Janos Harmattan, Unesco: France.
- Koshelenko And Pilipko, G.A- V.N, 1994, " *Parthia*", Published In *History Of Civilizations Of Central Asia, The Development Of Sedentary And Nomadic Civilizations: 700 B.C. To A.D. 250, Volume II*, Edited By Janos Harmattan, Unesco: France.
- Lee, Geun-Jik, 2009, " *The Development Of Royal Tombs In Silla*", *International Journal Of Korean History*, 14 (1), 91-124.
- Lee, Hee-Soo, 1994, " *The Maritime Spread Of Islam In Korea And Its Growth*", Paper For International Seminar Of The Contribution Of Islamic Culture For The Maritime Silk Route, Quanzhou, China, Unesco China Conference, 1-24.
- Radio Korea International (RKI), KBS, 1995, *The History Of Korea*, Edited And Produced By World Compugraphic Co., Ltd: Seoul, Korea.
- Whitfield And Others, Roderick, 2000, *Cave Temples Of Mogao, Art And History On The Silk Road*, Volume IV, The Getty Conservation Institute And The J. Paul Getty Museum: Los Angeles.
- Windfuhr, Gernot, 2009, *The Iranian Languages*, by Routledge Park Square, Milton Park, RN, UK ۴ Abingdon, Oxon OXI 2, multaneously published in the USA and CanadaSi, New York.
- Youso, Kristina, 2008, *AFGHANISTAN: Hidden Treasures From the National Museum, Kabul*, Published By Forrest McGill, Ph.D., Chief Curator and Wattis Curator of South and Museum Southeast Asian Art, Asian Art, Deborah Clearwaters, Director of Education and Public Programs.

کره‌ای:

아베, 요시나리, 2019, *국립경주박물관 소장 유리 분석 결과*, Vol 12, Journal Of The Gyeongju National Museum, Korea.

مرجع تصاویر و نقشه‌ها:

- 1- <https://www.worldhistory.org/uploads/images/5790.jpg?v=1727814367-0>
- 2- <https://www.anandaroproy.com/slides/315/full/1307-Eurasia-v4b-Final-with-bleed.webp>
- 3- <https://solarspell/ls.sfis.asu.edu/mea/wikipedia/images.png/98797/987>
- 4- <https://gyeongju.museum.go.kr/convert/preview/1612072146609/html.index>